

رابطه تکبر و ذلت: تعریف، اقسام، پیامدها، و علاج از منظر آیات قرآنی

* مهدیه نوری

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۸

** محبوبه نوری

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۲۳

*** سمانه السادات حسینی زاده

**** صدیقه السادات حسینی زاده

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه تکبر و ذلت از منظر آیات قرآنی می‌باشد. کبر که به عنوان خودبزرگ‌بینی تعریف شده است، به صورت خصلت تکبر در رفتار آدمی بروز و ظهور می‌یابد. در این پژوهش که از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد، به اقسام تکبر که شامل تکبر در برابر خداوند، تکبر در برابر پیامبر و امام، و تکبر در برابر مردم است، اشاره شده است و به ریشه‌شناسی خصلت تکبر که احساس حقارت و عقده درونی است، پرداخته شده است. در ادامه، پیامدهای تکبر که ذلت دنیا و آخرت، بی‌عقلی متکبر، خشم و غضب وی، کفر و ذلت متکبر، عدم استفاده وی از تجارب دیگران، خشم و غضب مردم از شخص متکبر، دوری وی از علم آموزی و حکمت، خلود در آتش جهنم و رابطه تمامی موارد ذکرشده با ذلت و دونی متکبر است، به صورت تفصیلی از منظر آیات قرآنی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در انتها با بهره‌گیری از منظر متون دینی به توصیه‌هایی برای علاج تکبر پرداخته شده است.

کلیدواژگان: انحطاط، قرآن، کبر، خداوند، مردم.

* دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشکده زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

m.noorii@alzahra.ac.ir

** کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه علوم تربیتی، روان‌شناسی و مشاوره، یزد، ایران.

*** کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشکده زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

**** کارشناسی روان‌شناسی گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد تفت، یزد، ایران.

نویسنده مسئول: مهدیه نوری

مقدمه

هر آنچه را که خداوند به انجام آن امر کرده است، دارای مصلحتی بوده است که برای سعادت دنیا و آخرت انسان مفید بوده و هر آنچه را که خداوند نهی فرموده است، مفسده‌ای داشته است. گناهیانی مثل دروغ، غیبت، تهمت و کبر باعث ذلت انسان در دنیا و آخرت می‌شود.

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه کبر و ذلت می‌باشد. کبر حالتی است که انسان خود را برتر و بزرگ‌تر از دیگران می‌داند و هنگامی که این حالت در انسان ظهور پیدا می‌کند به آن تکبر می‌گویند. تکبر دارای سه قسم است: تکبر در برابر خدا، تکبر در برابر پیامبر یا امام و تکبر در برابر مردم. از ریشه‌های تکبر احساس حقارت است و از پیامدهای آن ذلت در دنیا و آخرت، بی‌عقلی، خشم و غضب در شخص متکبر، کفر، عدم استفاده از تجارب دیگران، خشم و غضب مردم از شخص متکبر، دوری از علم‌آموزی و خلود در آتش جهنم است.

تعریف تکبر

کبر حالتی است در انسان که از خودبینی پدید می‌آید که خود را بالاتر و بزرگ‌تر از دیگری (یا دیگران) می‌داند و ظاهر ساختن این حالت را در گفتار و کردار تکبر می‌گویند (دستغیب، ۱۳۸۳).

پیشینه تکبر

مارانی (۱:۱۳۸۸) در پژوهش خود بیان می‌کند که اساس تکبر این است که انسان از اینکه خود را برتر از دیگری ببیند، احساس آرامش کند. تکبر اسباب زیادی دارد و همه آن‌ها به این باز می‌گردد که انسان در خود کمالی تصور کند و بر اثر حب ذات، بیش از حد آن را بزرگ نماید و دیگران را در برابر خود کوچک بشمرد. درمان تکبر به دو روش علمی و عملی امکانپذیر است. راه علمی عبارت است از اندیشیدن درباره خود آدمی که کیست و چیست و از کجا بوده؟ و سر انجام کار او چه خواهد شد؟ و نیز درباره عظمت خدا بیندیشند و خود را در برابر ذات بی‌مثال او ببینند. درمان تکبر از طریق عملی از

طریق سعی بر تقلید اعمال متواضعانه است تا به حدی که این فضیلت اخلاقی در اعماق وجود انسان ریشه دواند. از جمله روش‌های دیگر، تواضع در برابر خداوند و مردم است. علاوه بر این، سر به سجده نهادن و زمزمه ذکر «لا اله الا الله حقاً حقاً سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُداً وَ رِقاً لَا مُسْتَنْكِفاً وَلَا مُسْتَكْبِراً» برای از بین بردن ریشه تکبر سودمند است.

حاجیان، کریمی و قهرمانی فرد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تواضع و فروتنی مدیران از دیدگاه اسلام» به بررسی تواضع و فروتنی مدیران از دیدگاه اسلام و آیات و روایات متعددی که این ویژگی اخلاقی را تصدیق کرده پرداختند. از این رو، صمیمیت، سادگی، توجه به ارزش‌های اخلاقی، دوری از ریاکاری، صبر و حوصله، نظم و انضباط، توجه و احترام به شخصیت کارکنان از جمله ویژگی‌های مدیران متواضع شناخته شد و توجه به اینکه انسان از چه چیزی آفریده شده، مقایسه انسان با جهان هستی، توجه به مرگ و یاد قیامت و الگوسازی‌های عینی برای افراد از جمله راه‌های رسیدن به تواضع و فروتنی برشمرده شد.

خدایی و خرقانی (۱۳۹۲: ۳۰) در پژوهش خود با عنوان «شواهد قرآنی روایات باب کبر اصول کافی»، بیان کردند که کبر حالتی است که انسان خودشیفته گشته و خویشتن را از دیگران بزرگ‌تر می‌بیند. تکبر صفت ویژه خداوند است و کبر از سوی انسان، کم‌ترین درجه کفر محسوب می‌گردد.

در پژوهشی دیگر، با عنوان «بررسی مفهوم روان‌شناختی کبر در منابع اسلامی و مقایسه آن با خودشیفتگی»، قدوسی و میردریکوندی (۱۳۹۲) نشان دادند که کبر و خودشیفتگی هم‌پوشی قابل توجهی دارند و رابطه آن‌ها در نشانه‌شناسی بیش‌ترین تطابق را داشته و در علت‌شناسی و درمان نیز با هم متفاوت هستند. در علل و درمان، بررسی کبر عمیق‌تر و اعم است، ولی متناسب با نیاز روز، کاربردی نشده است که در این زمینه روان‌شناسی و اخلاق می‌توانند مداخله خوبی در شیوه درمان داشته باشند.

هراتیان، آگاه هریس و موسوی (۱۳۹۲: ۶) در مقاله خود با عنوان «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی تکبر- تواضع» عنوان می‌کنند که ریشه همه بدبختی‌ها و صفات زشت انسانی، تکبر و استکبار می‌باشد. تکبر از سه عنصر تشکیل می‌شود: نخست اینکه انسان

برای خود مقامی قائل شود، دیگر اینکه برای دیگری نیز مقامی قائل شود و در مرحله سوم، مقام خود را برتر از آن‌ها ببیند و در نتیجه آن احساس خوشحالی و آرامش کند. هراتیان، ترکاشوند و جهانگیرزاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه روان بنه‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی با صفت اخلاقی تکبر» به این نتیجه دست یافتند که همه حوزه‌های روان بنه‌های ناسازگار اولیه و زیرمقیاس روان آزرده‌گی، ارتباط مثبت با تکبر دارند و زیرمقیاس‌های برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، موافق بودن و با وجدان بودن، رابطه منفی با تکبر دارند. همچنین روان بنه‌های ناسازگار اولیه، موافق بودن، محدودیت‌های مختل، روان آزرده‌گی و برون‌گرایی، رابطه معناداری با تکبر دارند.

رضائیان، ساطوریان، هراتیان و حسینی مطلق (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش میانجی صفت حرص در رابطه بین صفات تکبر و حسادت» به این نتیجه دست یافتند که صفت تکبر، ریشه بسیاری از احساس‌ها و صفات منفی از جمله حسادت خواهد بود لذا باید به زیربناها، روابط و مکانیزم عمل این صفات اخلاقی بیش‌تر توجه شود.

اقسام تکبر

تکبر بر سه قسم است: تکبر در برابر خدا، تکبر در برابر پیامبر و امام و تکبر با مردم. هر کدام از اقسام تکبر در ذیل توضیح داده شده‌اند.

۱. تکبر در برابر خدا

تکبر در برابر خدا دارای انواعی است. گاهی انسان جاهل و مغرور را حالتی دست می‌دهد که در آن حال خود را مستقل دانسته و تمام هستی و شئون خود را از خودش می‌داند و حاضر نیست که در اثر توانایی محدود ظاهری و مال و منصب، خود را مخلوق، زیردست و تحت تدبیر و تربیت خداوند بداند و بدین سان، ظلمت کفر تمام وجودش را فرا می‌گیرد. بر صحت این مدعی، خداوند در قرآن مجید (غافر/۵۶) می‌فرماید که متکبران در دنیا و آخرت به بزرگی و پیروزی نخواهند رسید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

«کسانی که در آیات خدا بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد ستیزه می‌کنند، در سینه‌های ایشان فقط تکبر (و غرور) است و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید»

در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿قَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنْكَرَةٌ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُونَ﴾ (نحل/۲۲)

«کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان (حق) را انکار می‌کند و مستکبرند»

گاهی این غرور و تکبر شدیدتر شده و از حد خود تجاوز می‌کند تا به مرحله‌ای می‌رسد که فرد در مورد دیگران ادعای ربوبیت و الوهیت می‌کند، چنانچه فرعون می‌گفت:

﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ (نازعات/۲۴)

«من پروردگار برتر شما هستم»

و برای مدعای خودش دلیل می‌آورد:

﴿يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (زخرف/۵۱)

«آیا حکومت مصر از آن من نیست و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارند؟»

مثال دیگر داستان الوهیت نمرود است که حتی زندگانی و مرگ را از خودش می‌دانست و می‌گفت:

﴿قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ﴾ (بقره/۲۵۸)

«من زنده می‌کنم و می‌میرانم»

توجه به این نکته ضروری است که گاهی نیز بر اثر جهل و غرور، مخلوق از بندگی و اطاعت اوامر خداوند تکبر می‌ورزد در حالی که منکر خداوند نیست. در حقیقت، ترک عبادت و اطاعت، همان کفر و انکار الوهیت و ربوبیت خداوند و شایسته نپنداشتن وی برای پرستش است زیرا کسی که خود را بنده خدا می‌داند و تمام وجود خود را نشأت گرفته از وی می‌پندارد، محال است در برابر خدا گردن‌کشی کند. حتی در صورتی که چنین شخصی مرتکب چنین گناهی شود، در اثر غفلت، غلبه شهوت و هوای نفس وی

است نه انکار ربوبیت و تکبر در مقابل خداوند. هر گناهی که از روی تکبر و سرکشی باشد، قابل آموزش نیست چون دلالت بر کفر معلولش می‌کند و از اینجا کفر ابلیس نمایان می‌شود زیرا وی در مقابل امر خدا که سجده بر آدم بود سرکشی و تکبر ورزید و بدین سبب در زمره کافران قرار گرفت.

همچنین در قرآن آمده است که دعا نکردن و ترک عبادت خدا اگر از روی تکبر باشد موجب خلود در آتش است؛ چون حقیقت دعا که به معنای سؤال در حال احتیاج، عجز و ناتوانی از خداوند است، همان عبودیت و پرستش خداوند است. پس کسی که از روی تکبر دعا نکند، یعنی خود را نیازمند به خدا و خدا را شایسته پرستش ندانسته و این، همان کفر محض است که موجب خلود در آتش جهنم است.

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

دَاخِرِينَ﴾ (غافر/ ۶۰)

«پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم کسانی که

از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند»

تکبر نسبت به محرمات خداوند و اموری که به وی نسبت دارد مانند اوامر و نواهی خدا، ماه‌های حرام مخصوصاً ماه رمضان، بیت الله الحرام و مساجد (زیرا در قرآن کریم خداوند مساجد را به خودش منسوب کرده است)، و هتک حرمت آنان، حرام بوده و از گناهان کبیره می‌باشد و در حقیقت از جمله موارد تکبر با خداوند محسوب می‌گردد.

ب. تکبر در مقابل پیامبر و امام

تکبر در مقابل پیامبر یا امام آن است که خود را برابر یا بالاتر از ایشان دانسته و حاضر به تسلیم و فرمان‌برداری از آن‌ها نباشد مانند فرعونیان که به حضرت موسی (ع) و هارون بدین بهانه که آن‌ها بشری مثل بقیه مردم هستند و در نتیجه بر مردم دیگر برتری ندارند، تکبر ورزیدند. آن‌ها به پیغمبرانشان می‌گفتند:

﴿قَالُوا إِنَّا تَمَتُّنَا بِالْبَشَرِ مِثْلَنَا﴾ (ابراهیم/ ۱۰)

«شما انسان‌هایی همانند ما هستید»

به این بهانه که چرا ملائکه بر آن‌ها نازل نشده‌اند (یعنی چون از پیغمبر بالاتریم باید ملک بر ما نازل شود). از موارد دیگر، تکبر کردن قوم قریش در برابر پیغمبری حضرت محمد (ص) به علت یتیم بودن وی و محرومیتش از مال و جاه بود. حتی آنان مدعی می‌شدند که چرا قرآن بر اشخاص صاحب منزلت و مقام ظاهری (مانند ولید بن مغیره و ابو مسعود ثقفی) نازل نگردیده تا از آن‌ها پیروی کنند.

در حقیقت تکبر با پیغمبر و امام، تکبر با خداست و تکبر در مقابل نمایندگان پیامبر و امام و اطاعت نکردن از ایشان، در حکم تکبر در مقابل پیغمبر، امام و خداوند می‌باشد که طبق آیات متعدد قرآن، خداوند اقوامی که در برابر پیامبران تکبر ورزیدند را به هلاکت رساند.

ج. تکبر با مردم

نوع سوم تکبر، تکبر با مردم است در اینکه خود را بزرگ و دیگران را در مقابل کوچک شمرده و بر آن‌ها فخرفروشی کند. این خصلت نمود مختلفی در رفتار آدمی دارد، مثلاً اینکه بخواهد در راه رفتن بر دیگران مقدم شود، در مجالس بخواهد بالاتر از همه بنشیند و یا از پذیرش نصیحت افراد خیرخواه، سر باز زند. به طور خلاصه، در نتیجه تکبر، همانطور که خود را برتر از حیوانات می‌داند، خویشتن را برتر از مردم و اقشار جامعه می‌پندارد. در حقیقت چنین شخصی، خود را در صفت ویژه خداوند که عظمت و کبریایی اوست، شریک او قرار داده و بدین سبب سزاوار قهر و غضب خداوند خواهد بود. در حالی که تمام افراد بشر بنده خداوند هستند و از این جهت همگان مساوی و برابرند؛ لذا اگر انسان متکبر یکی از بندگان خداوند را پایین‌تر از خود بداند، با خداوند در چیزی که تنها سزاوار اوست، منازعه کرده است (دستغیب، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۲۰-۱۱۹). خداوند در صحت این مدعی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَصْعُرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْسِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾

(لقمان/۱۸)

«با بی‌اعتنایی از مردم (به تکبر) روی مگردان و در زمین مغرورانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد»

ریشه‌های تکبر

از ریشه‌های تکبر غفلت از قدرت خداوند است که موجب می‌شود انسان برای خود قدرت و منزلت قائل شود. خداوند می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ (فصلت/۱۵)

«قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند چه کسی از ما نیرومندتر است؟! آیا نمی‌دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قوی‌تر است؟ و (به خاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می‌کردند»

از دیگر عوامل تکبر، صفات ناپسندیده مانند حسد است که برگرفته از احساس حقارت و عقده خود کوچک بینی است (فرید، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۵۵). از این رو، شخص متکبر می‌خواهد با تکبر و فخرفروشی، عقده حقارت و کمبود خود را جبران نماید، غافل از آنکه با تکبر ورزیدن بر کوچکی و پستی خود می‌افزاید. به گفته سعدی (یوسفی، ۱۳۷۲):
تواضع سر رخصت اندازد تکبر به خاک اندر اندازد

پیامدهای تکبر

أ. ذلت دنیا و آخرت

از برجسته‌ترین آثار تکبر، ذلت و خواری در دنیا و آخرت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ (غافر/۶۰)

«کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند».

ب. بی‌عقلی متکبر

امام باقر(ع) فرمود: «در دل هیچ انسانی کبر وارد نمی‌شود مگر آنکه عقلش به همان اندازه ناقص می‌شود، خواه کم باشد یا زیاد» (فرید، ۱۳۶۶: ۱/۱۵۴). امام علی(ع) هم در این رابطه فرموده‌اند: «کبر، بدترین آفت فرد است» (فرید، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۵۴).

ج. خشم و غضب متکبر و ذلت او

از عوامل خشم و غضب، می‌توان تکبر، خود بزرگ بینی و کوچک شمردن مردم را نام برد. شخص متکبر، حدود خداوند را رعایت نکرده و با دوری از مردم، فضایل و خوبی‌های آن‌ها را نادیده می‌گیرد و در نتیجه، خود را برترین و والاترین مردم به حساب می‌آورد. آنرا از مردم باعث بدبینی و بدخلقی متکبر گشته و وی را به سمت بدبختی در دنیا و آخرت و گاه خودپرستی و شرک رهنمون می‌کند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۸: ۶۶/۲-۶۵).

د. کفر و ذلت متکبر

مهم‌ترین زیانی که تکبر در وجود انسان، به بار می‌آورد فراهم کردن زمینه کفر و انکار مقدمات الهی مانند انکار مبدأ و معاد، نماز، روزه، خمس، جهاد، و سایر اصول و فروع دین و تمسخر و احیاناً انکار و جحود است (رسولی محلاتی، ۱۳۷۳: ۱۶۲/۱). در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَّا هُمْ بِالْعِيقَةِ
فَأَسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (غافر/۵۶)

«آنان که درباره آیات خدا بدون دلیلی که برای آن‌ها آمده باشد ستیزه‌جویی می‌کنند، در سینه‌های ایشان فقط تکبر (و غرور) است»
در طول تاریخ بشر، بیش‌ترین مخالفت‌ها و انکارها و تمسخرها از جانب همین افرادی بوده است که به خاطر تکبر و خودبینی حاضر نبوده‌اند، در برابر انبیاء الهی تسلیم شوند.
حافظ شیرازی (خرمشاهی، ۱۳۶۶/غ ۴۹۳) در مذمت کبر گفته است:

فکر خود و رأی خود در مذهب رندی نیست
کفر است در آن مذهب خودبینی و خودرأیی

ه. عدم استفاده از تجارب دیگران و ذلیل شدن

شخص عاقل و هوشیار از تجارب دیگری استفاده می‌کند در حالی که افراد مستبد، خودرأی و مغرور می‌خواهند همیشه همه چیز را خودشان تجربه کنند. اما به دلیل کوتاه و ناپایدار بودن زندگی، فرصتی برای تجربه شخصی امور نیست، بنابراین لازم است از

تجارب دیگران که به مرور زمان به دست آمده است، بهره جست. بدین سبب، برای شخص عاقل و خردمند شایسته است که پیوسته (از راه تجربیات و علوم دیگران) در صدد هدایت و رشد خود برآید (آمدی، بی تا: ۱/ ۱۷۸).

و. خشم و غضب مردم از متکبر و رابطه آن با ذلت او

یکی از پیامدهای منفی اجتماعی تکبر، ایجاد تنفر در مردم است. بدین سبب، مردم از شخص متکبر پراکنده شده و این باعث منزوی گردیدن و در نتیجه حقیر و ذلیل گشتن در زندگی اجتماعی خواهد شد (فرید، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۸).

ز. دوری از علم آموزی و حکمت و رابطه آن با ذلت متکبر

از پیامدهای دیگر تکبر این است که شخص متکبر به واسطه کبر و خودبینی، حاضر به علم آموزی و کسب معرفت از دیگران نیست و بدین وسیله خود را ذلیل و خوار می نماید (برخوردار فرید، ۱۳۸۹، ج ۲).

ح. خلود در آتش جهنم، ذلت ابدی

تکبر در برابر خدا و پیامبر و امام موجب خلود متکبرین در آتش جهنم می شود. این دو مرتبه از تکبر معلول انکار ربوبیت پروردگار است و هر کس بدون ایمان بمیرد جایگاه همیشگی وی در آتش خواهد بود. در آیات متعددی از قرآن، خداوند، پیامد عذاب الهی در نتیجه تکبر را متذکر می شود:

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (اعراف/ ۳۶)

«کسانی آیات الهی را دروغ می پندارند و به واسطه تکبر از پذیرش حق روی گردانند، جاودانه در آتش خواهند بود.»

﴿فَالْيَوْمَ تَجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ

تَفْسُقُونَ﴾ (احقاف/ ۲۰)

«امروز عذاب ذلت بار به خاطر استکباری که در زمین به ناحق کردید و به خاطر گناهایی که انجام دادید؛ جزای شما خواهد بود»

﴿ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾ (غافر/۷۶)

«از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید و چه بد است جایگاه متکبران»

متکبر نسبت به مردم، نیز همراه مؤمن متواضع به بهشت نخواهد رفت بلکه مدتی در آتش معذب خواهد شد.

علاج تکبر

از جمله راه‌های علاج علمی تکبر، تفکر در ابتدای خلقت آدمی است که وی چگونه از نطفه گندیده‌ای که نزد همگان پلید است به وجود آمده است، چگونه با هزاران ضعف و ناتوانی متولد شده و به گرسنگی، تشنگی و خواب مبتلا می‌گردد، چگونه به انواع آفت‌ها و امراض مبتلا می‌گردد، و اینکه چگونه انسان همواره در معرض روبرویی با مرگ است. توجه به این امور و تأمل در آنها، فرد را از تکبر و خود بزرگ بینی باز داشته و مانع از ذلت و خواری وی در دنیا و آخرت می‌شود (دستغیب، ۱۳۸۳، ج ۲).

نتیجه بحث

تکبر از دیدگاه اخلاقی، یکی از بدترین رذایل و بیماری‌های مهلک اخلاقی و روانی است که برای سلامت نفس انسان بسیار خطرناک بوده و از جمله گناهان کبیره‌ای شمرده شده که قرآن مجید برای آن وعده عذاب داده است. سرچشمه اصلی کفر، انحراف، و گناه، بیش از همه تکبر، غرور، و عدم تسلیم در برابر حق است. هر قسم از تکبر، خواه تکبر در مقابل خداوند، پیامبر و امام، یا مردم از جمله عامل سقوط انسانی است. فرد متکبر بدون شک از مرحله اشرف مخلوقات به ورطه نابودی کشیده خواهد شد، همانگونه که تکبر، ابلیس را با پیشینه عبادت شش هزار ساله به سقوط و دور شدن از درگاه الهی کشاند.

کتابنامه

قرآن کریم

- آمدی، ابو الفتح. بی تا، **غرر الحکم ودرر الکلم**، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامی.
برخوردار فرید، شاکر. ۱۳۸۹ش، **آفات الطلاب**، جلد دوم، تهران: انتشارات لاهوت.
خرمشاهی، بهاء الدین. ۱۳۶۶ش، **حافظ نامه: شرح دیوان**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
دستغیب، سید عبدالحسین. ۱۳۸۳ش، **گناهان کبیره**، جلد دوم، قم: دار الکتب اسلامی.
رسولی محلاتی، سید هاشم. ۱۳۷۳ش، **چهل حدیث**، جلد اول، تهران: فرهنگ اسلامی.
رفیعی محمدی، ناصر. ۱۳۸۸ش، **گفتار رفیع**، جلد دوم، قم: نشر معروف.
سعدی، مصلح الدین عبدالله. ۱۳۷۲ش، **بوستان سعدی**، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
فرید، مرتضی. ۱۳۶۶ش. **الحدیث**، روایات تربیتی از مکتب اهل بیت(ع)، جلد ۱ و ۲ و ۳، تهران: فرهنگ اسلامی.
کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۲ش، **اصول کافی**، ترجمه و شرح محمد باقر کمره‌ای، چاپ دوم، تهران: اسوه.
مارانی، حکیمه. ۱۳۸۸ش، **تکبر**، تهران: مؤسسه علمی سوره.
مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، محقق و مصحح: جمعی از محققان، جلد ۱۵، بی جا: بی نا.

مقالات

- حاجیان، طالب و کریمی، مهدی و قهرمانی فرد، علی. ۱۳۹۰ش، «**تواضع و فروتنی مدیران از دیدگاه اسلام**»، فصلنامه مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، شماره ۴، صص ۲۲-۱.
خدایی، سیدمهدی و خرقانی، حسن. ۱۳۹۲ش، «**شواهد قرآنی روایات باب کبر اصول کافی**»، آموزه‌های قرآنی، ش ۱۷، صص ۲۷-۴۸.
رضائیان، حسین و ساطوریان، سیدعباس و هراتیان، عباس علی و حسینی مطلق، سیدمهدی. ۱۳۹۵ش، «**نقش میانجی صفت حرص در رابطه بین صفات تکبر و حسادت**»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۴، صص ۹۷-۸۵.
قدوسی، سیدابوالفضل و میردریکوندی، رحیم. ۱۳۹۲ش، «**بررسی مفهوم روان‌شناختی کبر در منابع اسلامی و مقایسه آن با خودشیفتگی**»، ماهنامه معرفت، شماره ۹، صص ۹۳-۸۳.
هراتیان، عباسعلی و آگاه هریس، مژگان و موسوی، الهام. ۱۳۹۲ش، «**ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی تکبر - تواضع**»، روان‌شناسی و دین، ش ۶، صص ۲۲-۵.

هراتیان، عباس علی، ترکاشوند، جواد و جهانگیرزاده، محمدرضا. ۱۳۹۴ش، «رابطه روان بنه‌های ناسازگار اولیه و ویژگی‌های شخصیتی با صفت اخلاقی تکبر»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره ۱، صص ۸۰-۶۳.

Bibliography

- Ali, M. M. (2011). Holy Quran. Ahmadiyya Anjuman Ishaat Islam Lahore USA.
- Amedi, A. (n.d.). Gorrarol-hekam va dorrarol-hekam [The best advices and precious statements]. Qom: Islamic Dar-al-ketab Publications.
- Barkhordar farid, Sh. (2010). Afat-al-tollab [The sun of students]. Tehran: Lahout Publications.
- Dastgeib, A. (2004). Gonahan-e kabireh [The great sins]. Qom: Islamic Dar-al ketbab Publications.
- Farid, M. (1987). Alhadith. The educational verses from the Ahl-al-Beit Maktab. 1, 2, 3. Tehran: Islamic culture Publications.
- Hajian, T., Karimi, M., Gharamani fard, A. (2011), tavazo va foroutani modiran az didgah-e islam [the humility of the managers from the Islamic perspective], 2(4), 1.22.
- Haratian, A., Aghah, H., & M., Mousavi, E. (2013). Sakht va etebaryabi meghyas Eslami takabbor-tavazo [The design and validation of the Islamic scale of pride-humility]. Ravanshenasi va Din, 6(4), 5-22.
- Haratian, A. a., Torkashvand, J. Jahangir zاده, M. (2016). Rabete ravan banehaie nasazegar-e avalieh va vizhegi haye shakhsiati ba sefat-e akhlaghi takabbor [the relation between the psychological traits of inflexibility and the character with the pride trait], Islam and Psychological Research, 1(1), 63-80.
- Khodaei, M. & Kharghani, H. (2013). Shavahede Quranic Revayat-e Bab-e kebr-e Osol-e Kafi [The Quranic documents of the verses around the pride of Osol-e Kafi]. Amouzehaye Quranic, 17.
- Khorramshahi, B. (1987). Hafez nameh: sharh-e divan [An exposition to Hafiz verses]. Tehran: The Scientific and Cultural Soroush publications.
- Koleini, M. (1993). Osol-e Kafi [Kafi's principles]. (M. B. Kamrei, trans.) (2nd ed.). Tehran: Osveh Publications.
- Majlesi, M. B. (1982). Behar-al-Anvar [The seas of lights] (2nd vol) (P. 150).
- Marani, H. (2009). Takabbor [The pride]. Qom: Sureh Scientific Institute.
- Ghodousi, S. A., & Mirderikvandi, R. (2013), Baresi mafhoume-e ravanshenakhti-e kebr dar manbe-e eslami va moghayese-e aan ba khod shiftegi [the investigation of the concept of pride in the Islamic sources and its comparison with Narcissism, the Marefat Monthly, 9(129), 83-93.
- Rafie Mohammadi, N. (2013). Goftar-e Rafie [the lofty sayings] (2nd ed.). Qom: Marouf Publications.
- Rasouli Mahallati, H. (1994). Chehel Hadith [Forty Hadith]. (1st vol). Tehran: The Islamic culture Publications.
- Rezaian, H., Satourian, S. A., Haratian, A., Hosseini motlagh, S. M. (2016). Naghsh-e Mianji sefat-e hers dar rabete bein-e sefat-e takabbor va hesadat [The mediating role of the trait of greed on the relation between the pride and jealousy]. Islam and Psychological research, 2(4), 85-97.

Saadi, M. A. (1993). Bostan [The garden]. (ed. G. H. Yousefi). Tehran: Kharazmi Publications.

